

روایت زندگی علی عزیزاده حسین آبادی، مداحی که دست خیلی ها را در محله کوی سلمان گرفته است

## از برکت روضه موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>



راه تجربه

علی، تو حتما باید برایمان بخوانی!

تعریف می کند: صدایم که پشت بلندگو پخش می شد، به بهانه نازک بودن صدایم، می گفتند تو برو کنار! من هم از ناراحتی می رفتم خانه و فقط جیغ می زدم. خدا رحمت کند پدرم را تشرمی زد که، چه خبره این قدر داد و فریاد راه انداخته ای؟ می گفتم: مسجد را هم نمی دهند؛ داد می زدم که صدایم کلفت شود!

علی آن زمان از برخورد مسجدی ها آزرده خاطر شد اما این دلخوری موجب نشد که او از علاقه اش به خواندن و حضور در محافل مذهبی دست بکشد. روزی نبود که او تمرین صدا نکند و این تلاش ها تا آنجا پیش رفت که او ساکنان دار برنامه های مذهبی و روضه خوانی در محله و همان مسجدی شد که همه دوران کودکی اش حسرت به دل مانده بود نطقش باز شود و یکی تشویقش کند.

دوازده سیزده سال بیشتر نداشت که هر مراسمی نیاز به مداح داشت، علی را صدایم زدند؛ «فرقی نمی کرد تعزیه مربوط به یکی از اهالی محله باشد، یا شهادت و ولادت ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، کل مراسم رابه دست می گرفتم. آن زمان مانند این دوران نبود که موقعیت شکوفایی استعداد برای بچه ها فراهم باشد و حضور من به عنوان یک نوجوان در پیوشن مداح موجب شده بود دوست و همسایه خیلی دوستم داشته باشند و این بار از صدایم استقبال می کردند و می گفتند علی، تو حتما باید برایمان بخوانی!

حاج علی از خدایم از برات طاهان، رفیق و همراه همیشگی اش در این مسیر نیز یاد می کند که در همه برنامه ها کنار هم بودند و نبض عزاداری ها و جشن های کوی سلمان دستشان بود.

پرچم دار روضه های مادر

روضه های چهارشنبه هر هفته خانه حاج علی، یادگار مادر خدایم مریم چمنی است؛ «مادرم ارادت خاصی به آقا موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> داشت. نداشت بود که برنامه روضه های چهارشنبه هایش از قلم بیفتد. همیشه می گفت هر چه دارم از آقا موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> است. بعضی حاجت هایش را که به فراد رسیده بود، برایمان می گفت. تنها خودش نبود که از این سفره کرم آقا بهره برده بود. خیلی های دیگر هم از حوائج برآورده شده و برکت روضه های چهارشنبه های مادر می گفتند.

مریم خانم سال ۶۸ بر اثر سکته فوت کرد اما چراغ روضه هایش پرفروغ تر از قبل روشن ماند. بانی مجلس موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>

میزبانی از ذاکرین امام محمد باقر<sup>(ع)</sup>

از هشت فرزند علی آقا، یک دختر و سه پسرش علاقه مندی پدر به مداحی را به ارث برده اند. حالا هر کدام از این عزیزان ها گوشه ای از بار مسئولیتی را که یک عمر بر دوش حاج علی بوده است، عهده دار شده اند و بانوای خوش و دل نشین خود، همه برنامه های مناسبتی را پیوشن می دهند.

همین شور و شوق، جرقه یک اتفاق خوب دیگر را در زندگی پربرکت حاج علی عزیزاده رقم زد؛ حاج علی می گوید: به برکت موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>، در حال ساخت ساختمان چهار طبقه ای در محدوده خیابان شهید علیمردانی هستیم که طبقه همکف آن را برای تمرین دوستداران مداحی و روضه خوانی اختصاص داده ایم و بانام «ذاکرین امام محمد باقر<sup>(ع)</sup>» مزین شده است.

خانه ای که مأمّن نیازمندان است

خانه حاج علی آقا و زینت خانم تنها پاتوق برویاهای خانم های روضه ای و بچه مسجدی ها نیست، بلکه سال هاست به مأمّن عروس و دامادهای نیازمند هم تبدیل شده است. فقط در ۱۰ ماه گذشته، ۳۲ دست جهیزیه در همین خانه تهیه و به عروس های نیازمند تحویل داده شده است. با اینکه بازنشسته ساده دانشگاه است اما بقول خودش درآمدش برکت دارد.

انجام تحقیقات اولیه درباره راستی آزمایی کسانی که مراجعه می کنند را دخترش، خدیجه خانم برعهده دارد و کافی است او مهر تأیید بر درخواست بجای خانواده ای بزند؛ آن وقت است که پدر دست به کار می شود و همه اعضای فامیل و حتی کاسبان محل را پای کار می آورد تا زوج های نیازمند هر چه زودتر راهی خانه بخت شوند. از شهریور سال گذشته تاکنون، هشت مجلس عروسی در خانه پدری خدیجه خانم برگزار شده است؛ «برای حفظ کرامت، جشن عروسی دختران نیازمند محله خودمان را در خانه خیران محله احمدآباد برگزار می کنیم و جشن نیازمندان مناطق دیگر را در خانه پدرم راه می اندازیم. همه کارهایی که در روز جشن برای دختر و پسرهای خودمان انجام می دهیم، برای این زوج ها هم انجام می شود تا خاطره مهم ترین روز زندگی شان برایشان ثبت و ماندگار شود.»

سعیده ساجدی نیا اکنار دودختر، تک پسر خانواده بوده است. پنج سالگی اش را خوب به خاطر دارد که همراه پدر و مادرش راهی مسجد می شد. تازه برای مسجد پنج تن<sup>(ع)</sup> میکروفن خریده بودند و برای بچه ها جذابیت داشت که برگشت صدایشان را پشت آن بشنوند. این شوق و ذوق برای علی شاید بیشتر هم بود.

علاقه به خواندن از همان کودکی در او وجود داشت. تا چشم بزرگ ترهای مسجدی را دور می دید، پشت بلندگو می رفت و شروع به صحبت می کرد. ثن صدایش اما ریز بود و به گوش سن و سال دارها دلخراش به نظر می رسید و بلندگو را از دستش می گرفتند!

اینطور بود که قصه گرایش جدی علی عزیزاده حسین آبادی به مداحی و روضه خوانی اهل بیت<sup>(ع)</sup> از همان جاکلید خورد. او اکنون ۷۳ بهار زندگی را پشت سر گذاشته است و بیشتر از اینکه در مشهد و خانه اش باشد، در کربلای معلی و نجف اشرف حضور دارد. خودش می گوید دست کم ماهی دوبار عازم عراق و حرمین شریفین می شود.

این بار تنها عرووش، زینت عزیزاده بود که حالا بیش از چهار دهه، نذر مادر شوهرش را با همان سبک و سیاق ادامه داده است. زینت خانم تعریف می کند: از همان اولین چهارشنبه بعد از ازدواج، این روضه در خانه مان پا گرفت؛ آن هم در شرایطی که برای ناهار، یک تخم مرغ آب پز بیشتر نداشتیم که با علی آقا تقسیم می کردیم. حقوقش را که می گرفت، ابتدا هزینه روضه خوان و یک پذیرایی قند و چای را کنار می گذاشتیم.

او روزهایی را به یاد می آورد که آرزوی زیارت شلمچه را داشت، اما همان جا اولین زیارت عتبات نیز قسمتش شد و حالا شمار این سفرهای زیارتی به بیش از هشتاد نود سفر به کربلا، مکه و سوریه رسیده است.

